

## رابطه سبک‌های فرزند پروری با گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان

فرح ناز پورمظاهری<sup>۱</sup>، علی قلی زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مشاوره خانواده

<sup>۲</sup> آموزش و پرورش استان البرز

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رفتارهای پرخطر نوجوانان بر اساس شیوه‌های فرزند پروری و سبک‌های هویتی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش کلیه نوجوانان پسر مقطع متوسطه شهر کرج که در رده سنی ۱۴ تا ۱۹ سال‌اند تشکیل شد. تعداد نمونه بر اساس جدول مورگان برابر با ۳۲۰ نفر برآورد گردید. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری دایانا بامریند (۱۹۹۰)، سبک هویتی مایکل برزونسکی (۲۰۰۴) و رفتار پرخطر شهرام محمد خانی استفاده شد. نتایج پژوهش بیانگر این است که بین سبک هویت اطلاعاتی با رابطه با جنس مخالف و مصرف مواد مخدر در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. بین سبک دلبستگی اجتنابی با فرار از خانه و مدرسه در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه مثبت و با رابطه به جنس مخالف در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. بین سبک دلبستگی هنجاری و سبک‌های هویتی با هیچ خرده مقیاسی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. سبک فرزند پروری استبدادی با رفتار پرخطر و خرده مقیاس‌های آن رابطه معنی‌دار ندارد ولی سبک فرزند پروری سهل‌گیر با فرار از خانه و رابطه با جنس مخالف رابطه مثبت معنی‌دار دارد. بین سبک دلبستگی دموکراتیک با حمل اسلحه و چاقو، مصرف مواد مخدر، رابطه با جنس مخالف و رفتارهای پرخطر در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر بیان می‌کند که شیوه‌های فرزند پروری نامناسب منجر به بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان می‌شود همچنین سبک‌های هویتی نیز نقش مهمی در بروز رفتارهای پرخطر دارد.

**واژه‌های کلیدی:** رفتارهای پرخطر، شیوه‌های فرزند پروری، سبک‌های هویتی، نوجوانان

## مقدمه

نوجوانی دوران حساس و پرچالشی است که فرد ضمن ابراز وجود باید تصمیم بگیرد چه کسی است و می خواهد برای جامعه چه کار کند. از این رو نوجوانی تاثیرگذارترین دوره زندگی هر فرد محسوب شده و از آن به دوره بحران و آشفتگی تعبیر می گردد (بهمنی، مکوندی و جوهری فرد، ۱۴۰۰: ۹۶). نوجوانان در این دوران، در حال گذر از مرحله ای هستند که قرار است آن ها را از یک کودک تبدیل به یک بزرگسال کند. وقتی دختر یا پسر به بلوغ می رسد تغییرات جسمی و روانی زیادی را تجربه می کند. ترشح هورمون هایی مثل تستوسترون و استروژن آغاز بلوغ جنسی نوجوانان می شود و آن ها را از نظر جنسی بیدار می کند. همچنین ترشح زیاد هورمون ها در این دوران، تعادل احساسی یک نوجوان را به هم می زند و موجب بالا و پایین شدن سریع و مداوم هیجانات مختلف او می شود. در این دوره تغییرات متعددی در نوجوانان رخ می دهد و آنها با نقش های متفاوت آشنا شده و مسئولیت های جدیدی را با توجه به نقش هایشان می پذیرند و مهارت های جدید در زمینه رفتار مناسب با آن نقش ها را فرا خواهند گرفت ولی چنانچه الگوهای مهارتی جدید مشخص نباشد دست به کشف الگوهای جدید بدون در نظر گرفتن قواعد مناسب زده که منجر به بروز رفتارهای پرخطر می گردد (فتیحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۵۲). رفتارهای پرخطر به رفتارهایی گفته می شود که سلامت و بهزیستی جسمی، روانشناختی و اجتماعی افراد و جامعه را به خطر می اندازد و در این میان نوجوانان آسیب پذیرترین افراد جامعه در برابر رفتارهای پرخطر هستند (جوهری فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۳). در سن نوجوانی تمایل افراد به مشارکت در چندین فعالیت مخاطره آمیز و انجام متوالی این قبیل رفتارها افزایش می یابد، به گونه ای که گرایش آنها به مشارکت در انواع رفتارهای پرخطر، به یکی از اصلی ترین منابع عمده نگرانی والدین و جامعه تبدیل شده است (سجادپور، مهرابی، حسینعلی زاده و عبدالمحمد، ۱۳۹۲: ۶۴). این خطرپذیری که از ویژگی های رشدی افراد در سنین نوجوانی محسوب می شود، احتمال وقوع پیامدهای منفی، ناخوشایند و آسیب زای جسمانی، روانی و اجتماعی را برای نوجوانان افزایش می دهند (باهر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). این رفتارها به صورت مستقیم و غیرمستقیم و با قصد مشخص مانند خودزنی، سوءمصرف مواد مخدر، رفتارهای جنسی پرخطر، رانندگی پرخطر و مصرف الکل، مصرف سیگار و دخانیات و بزهکاری نشان داده می شود. بنابراین در سنین نوجوانی آنچه بیش از هر چیز ضرورت دارد، شناسایی علل گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر است (علیزادگانی، اخوان تفتی و کدخدایی، ۱۳۹۸). بی شک عوامل متعددی در شکل گیری رفتارهای فرد نقش دارد که بیش از همه خانواده به عنوان رکن اصلی و سازنده هویت افراد نقش دارد. رفتارهای مثبت و منفی نوجوانان بازتاب وضعیت و شرایط اجتماعی و خانوادگی فرد می باشد، چنانچه خانواده در سنین خاص و حساس نتواند فرزندان را خوب هدایت نماید زمینه های بروز بسیاری از رفتارهای پرخطر را در وی فراهم می کند (نجانان و همکاران، ۱۳۹۸: ۴). نحوه تربیت و سبک فرزند پروری والدین یکی از عوامل تحول و پایداری مشکلات رفتاری افراد خصوصا گرایش به رفتارهای پرخطر محسوب می شود. سبک های فرزند پروری الگوهای استاندارد تربیتی هستند که با آداب و پاسخ های معین والدین نسبت به رفتارهای فرزندان می شود و منجر به اجتماعی شدن فرزندان می گردد (طهماسبی و شیخ الاسلامی، ۱۳۹۶: ۵۹).

پژوهشها در دهه های اخیر بیانگر افزایش شیوع رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان هستند. نتایج پژوهش ها نشان داده نوجوانی از مهمترین دوره های زندگی هر فردی است که آسیب ها و استرس های زیادی را به همراه دارد (پوپووا پتروسیان، کولانتایول و بالاسوندارام<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). از ویژگی های بارز دوره نوجوانی، کسب تجارب جدید و گرایش به انجام رفتارهای پرخطر

<sup>۱</sup> - bahr<sup>۲</sup> Popova-Petrosyan, Kulanthaivel & Balasundaram

که پیامدهای ناگواری را برای فرد، خانواده و جامعه به همراه دارد (جوهری فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۳). نوع دیدگاهی که والدین از طریق شیوه فرزند پروری در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند در شکل‌گیری رشد و تعامل فرزندان و ویژگی‌های بعدی شخصیتی و رفتار آن‌ها تأثیر فراوانی دارد (دارلینگ<sup>۳</sup> و استینبرگ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳). سلیبی و احمدی (۱۳۹۲) و کوپکو<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) در پژوهش خود دریافتند که شیوه فرزند پروری مقتدرانه باعث سازگاری عاطفی بیشتر در دانش‌آموزان می‌شود، همچنین در پژوهشی با عنوان بررسی مشکلات و راه‌حل‌های رفتار دانش‌آموزان مدارس راهنمایی استان همدان، یافته‌ها بیانگر آن است که روابط والدین با یکدیگر و فرزندان بیش‌ترین تأثیر را در بروز مشکلات فرد آزار مثل اضطراب، وسواس، انزواطلبی و افسردگی و مشکلات جامعه آزار یعنی مشکلات سلوک دارد (زارعی، ۱۳۸۸: ۲۲۱). انگریست<sup>۶</sup> و همکاران (۱۹۹۶) بیان نموده‌اند که سبک‌های فرزند پروری در کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان موثر است. نتایج پژوهش والت<sup>۷</sup> (۲۰۰۲). بیانگر این است که والدینی که وقت بیشتری را صرف سرپرستی فرزندان می‌کنند، دارای فرزندانی هستند که کمتر به سمت رفتارهای پرخطر و نامناسب گرایش دارند. با بررسی نحوه ادراک فرزندان از سبک‌های فرزند پروری می‌توان به شیوه‌های موثر در بروز رفتارهای اعتیاد گونه پی برد. با توجه به پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت که شیوه فرزند پروری (محبت - طرد) نسبت به شیوه (آزادی-کنترل) از نظر فرزندان باعث گرایش به مصرف مواد می‌شود (جهانشاهی، ۱۳۹۸: ۱۱۶). سبک‌های هویتی عامل دیگری است که می‌تواند در بروز رفتارهای پرخطر نقش داشته باشد. افراد با سبک‌های هویتی مختلف، رفتارهای متفاوتی را از خود بروز می‌دهند. برزونسکی از جمله محققینی است که به سبک هویتی توجه بسیاری داشته است و در نظریه سبک هویتی خود بر یک دیدگاه شناختی در درک هویت تأکید کرده است. طبق نظر برزونسکی<sup>۸</sup> (۱۹۹۰) هویت در یک کنش متمادی با جهان فیزیکی و اجتماعی رشد می‌کند و نقش مهمی را در سلامت روان و بروز رفتار افراد دارد. وی سه سبک مختلف هویتی (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی) را مطرح کرده که افراد بر مبنای آن رفتارهای خاصی را از خود بروز می‌دهد. افراد با سبک هویتی هنجاری توقعات اطرافیان مهم خود را به اجرا می‌گذارند، افراد با سبک هویت اطلاعاتی به طور فعال به جستجو و ارزیابی می‌پردازند و تصمیم‌گیرندگان فعالی هستند. افراد با سبک هویتی اجتنابی دارای ساختار هویتی پاره‌پاره و نامنسجم هستند (سوئنتس<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). بنا بر تقسیم‌بندی برزونسکی سبک‌های هویتی با نحوه پردازش شناختی افراد، نوع واکنش آن‌ها به موقعیت‌های مختلف و راه‌های مقابله به کار گرفته شده ارتباط دارند، بر این اساس می‌توان بیان داشت که افراد با سبک‌های هویتی مختلف در موقعیت‌های مشابه رفتارهای متفاوتی را از خود بروز می‌دهند. به گونه‌ای که افراد دارای سبک هویتی سردرگم احتمال بروز رفتارهای پرخطر در آن‌ها بیشتر است و سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با توجه به تعهدات بیشتر احتمال گرایش به رفتار پرخطر در آنان کمتر است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۲). غضنفری (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و میزان سلامت روان رابطه مثبت و معنادار و بین سبک هویت سردرگم / اجتنابی و میزان سلامت روان رابطه منفی معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش حسینی طباطبایی (۱۳۷۷) بیانگر این است که افراد در پایگاه مغشوش بیشتر از سبک مقابله هیجان مدار و افراد با پایگاه موفق بیشتر از روش مسئله مدار استفاده می‌کنند. با توجه به اهمیت دوره نوجوانی و بروز رفتارهای پرخطر در این دوره و

<sup>3</sup>- Darling

<sup>4</sup>- steinberg

<sup>5</sup>-kopko

<sup>6</sup>- angrist

<sup>7</sup>- wallt

<sup>8</sup>- suents

<sup>9</sup>- Soenens

نقش شیوه‌های فرزند پروری و سبک‌های هویتی در سلامت روان و شکل بخشیدن به رفتار افراد و نحوه قضاوت و داوری افراد در موقعیت‌ها و مسائل مختلف، پرداختن به سبک هویتی و شیوه‌های فرزند پروری در نوجوانان برای درک رفتارهای پرخطر آنان از اهمیت اساسی برخوردار است. لذا مسئله اصلی این پژوهش آن است که: آیا بین سبک‌های فرزند پروری و سبک‌های هویتی با گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان رابطه وجود دارد؟

### مبانی تجربی و نظری پژوهش

به جرأت می‌توان گفت زندگی آینده انسان تا حدود زیادی، تحت تاثیر اتفاقات و شرایط دوره نوجوانی او قرار دارد. نوجوانان، بیش از گروه‌های سنی دیگر، در معرض خطرات و آسیب‌های اجتماعی و تربیتی و رفتارهای پرخطر قرار دارند و تحقیقات گوناگون (آهنگر ضرابی و همکاران، ۱۳۹۰، آزادی و احمدی، ۱۳۹۰، نیک منش و همکاران، ۱۳۸۹، زارعی، ۱۳۸۸) بر این امر صحت می‌گذارند که در دوره نوجوانی، زمینه‌ها برای بروز بسیاری از آسیب‌ها، انحرافات اجتماعی و نارسایی‌های اخلاقی و رفتاری، بیشتر از دوره‌های دیگر فراهم است. چرا که در این مرحله است که فرد برای اولین بار با مسائل و رفتارها و فرضیه‌هایی در ذهن، آشنا می‌شود که شاید در هیچ یک از مراحل قبل و بعد از این دوره با آنها آشنا نبوده است (احدی، جمهوری، ۱۳۷۸). در این دوره (نوجوانی) به واسطه تغییرات سریع فیزیکی، روانشناختی، اجتماعی، فرهنگی و شناختی با انبوهی از مشکلات مغایر سلامت همراه است. نوجوان برای این که بتواند خود و جایگاه خود را در جامعه و خانواده ثابت کند و برای خود نقش و پایگاهی داشته باشد ممکن است به رفتارهای مخرب و پرخطر روی بیاورد (کارگر و گرور، ۲۰۰۳). روانشناسان، جامعه‌شناسان و پژوهشگران، هنوز به این سوال که چرا در دوره نوجوانی، شرایط برای بروز این آسیب‌ها و خطرات، مساعد است، پاسخ همه جانبه و دقیقی نداده‌اند اما به نظر می‌رسد که مجموعه‌ای از عوامل جامعه‌شناختی، روانشناختی، زیستی و خانوادگی در بروز رفتارهای آسیب‌زا و پرخطر، ایفای نقش می‌کنند. آهنگرزایی، شریفی و فرج زاده (۱۳۹۰) در پژوهش رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر دریافتند که بین سبک دموکراتیک و پرخاشگری فیزیکی رابطه وجود داشت. بین سبک دموکراتیک و خصومت رابطه وجود داشت. بین سبک دموکراتیک و خشم رابطه وجود داشت. بین سبک دموکراتیک و پرخاشگری کلامی رابطه وجود داشت. بین سبک سهل‌گیرانه و پرخاشگری رابطه وجود نداشت. بین سبک سهل‌گیرانه و پرخاشگری فیزیکی رابطه وجود نداشت. بین سبک سهل‌گیرانه و خصومت رابطه وجود نداشت. بین سبک سهل‌گیرانه و خشم رابطه وجود نداشت. بین سبک سهل‌گیرانه و پرخاشگری کلامی رابطه وجود نداشت. بین سبک استبدادی و پرخاشگری رابطه وجود نداشت. بین سبک استبدادی و پرخاشگری فیزیکی رابطه وجود نداشت. بین سبک استبدادی و خصومت رابطه وجود نداشت. بین سبک استبدادی و خشم رابطه وجود نداشت. بین سبک استبدادی و پرخاشگری کلامی رابطه وجود نداشت. شکری و همکاران (۱۳۹۵) همبستگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش‌آموز با شیوه‌های فرزند پروری والدین، یافته‌ها: میان رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان به ترتیب با شیوه فرزندپروری مقتدرانه و تحصیلات والدین همبستگی منفی و معناداری وجود داشت. همچنین با استفاده از آزمون آماری  $t$  مستقل، تفاوت معنی‌داری میان دختران و پسران در فراوانی بروز رفتارهای پرخطر وجود داشت. میزان بروز رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان پسر به صورت معناداری بیش از دانش‌آموزان دختر است. ولی میان طبقه اقتصادی - اجتماعی با بروز رفتارهای پرخطر تفاوت معناداری مشاهده نگردید. جوهری فرد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود یافته‌ها نشان داد که بین هویت اطلاعاتی، تعهد هویت، تاب

آوری با گرایش به رفتار پرخطر نوجوانان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. افزون بر این، نتایج مدل یابی علی معادلات ساختاری نشان داد که باورهای فراشناختی و سبک‌های هویت به طور مستقیم و غیرمستقیم با میانجی‌گری افکار منفی تکرارشونده و تاب آوری با گرایش به رفتار پرخطر رابطه دارند. بر اساس یافته‌های پژوهش افکار منفی تکرارشونده و تاب آوری می‌توانند در رابطه بین باورهای فراشناختی و سبک‌های هویت با گرایش به رفتار پرخطر نقش میانجی داشته باشند. مدل ارزیابی شده از برازندگی مطلوبی برخوردار است و گام مهمی در جهت شناخت عوامل مؤثر بر گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان است. بهمنی، مکوندی و جوهری فرد (۱۴۰۰) به بررسی سبک هویت بر رفتار پرخطر پرداخته شده است. بین سبک هویتی هنجاری و اجتنابی با رفتار پرخطر رابطه معنی‌دار داشته و سبک هویت اطلاعاتی با رفتار پرخطر رابطه معنی‌داری نداشته است. اشرفی (۱۴۰۰) در پیش‌بینی رفتار پرخطر نوجوانان بر اساس سبک‌های دلبستگی هویت و هیجان خواهی، نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد میان هیجان خواهی و رفتارهای پرخطر ارتباط معناداری مشاهده شد. میان ابعاد سبک هویت هنجاری، متعالی (معکوس و منفی) و سردرگم (مستقیم و مثبت) با رفتار پرخطر ارتباط معناداری مشاهده شد. نتایج رگرسیون نشان دادند هیجان‌طلبی و سبک‌های هویت قدرت پیش‌بینی رفتارهای پرخطر را داشته‌اند. جهانشاهی (۱۳۹۹) به بررسی بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مصرف مواد مخدر نوجوانان ۱۴ تا ۱۷ ساله شهر آشنانه پرداختند. نتایج نشان داد بین سبک‌های فرزند پروری با گرایش به مصرف مواد رابطه وجود دارد. بین مولفه‌های فرعی پژوهش (سبک والدین قاطع، سبک والدین آسانگیر، سبک والدین مسامحه‌کار) با گرایش به مصرف مواد مخدر در سطح اطمینان رابطه معناداری وجود دارد. نجاران طوسی، طالبیان و عبدخدائی (۱۳۹۸) در پژوهش بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزند پروری با میانجی‌گری رفتارهای پرخطر بر کیفیت زندگی دختران فراری، یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون معنادار بود. نتایج نشان داده سبک دلبستگی اجتنابی با میانجی‌گری رفتارهای پرخطر بر فرار دختران تاثیر دارد و بین رفتارهای پرخطر و فرار دختران رابطه معناداری وجود دارد. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با میانجی‌گری رفتارهای پرخطر می‌تواند فرار را پیش‌بینی کند و سبک فرزندپروری استبدادی با میانجی‌گری رفتارهای پرخطر با فرار دختران رابطه دارد. عطایی (۱۳۹۸) در بررسی ارتباط سبک‌های فرزند پروری با شیوع رفتارهای پرخطر نوجوانان، نتایج نشان داده میزان خطرپذیری با سبک فرزندپروری مقتدرانه همبستگی منفی داشت ولی با سبک فرزندپروری آزاد همبستگی مستقیم و معنادار دارد. رضاپور، فتوحی و پورصادقی (۱۳۹۷) در بررسی سبک‌های هویتی و رفتارهای پرخطر به این نتایج دست یافتند که یافته‌ها نشان داد که رابطه معناداری بین سبک‌های هویتی (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم یا اجتنابی) با رفتارهای پرخطر دانش آموزان تیزهوش شهرستان یزد وجود داشت و نمره کل رفتارهای پرخطر با دو زیرمقیاس سبک هنجاری و زیرمقیاس تعهد معکوس و معنادار بود. نیازی و سلیمان نژاد (۱۳۹۷) در پژوهش بررسی زمینه‌های گرایش به رفتارهای پرخطر، یافته‌ها نشان داد زمینه خانوادگی، احساس تنهایی، شرایط محیطی آسیب‌زا، چالش اقتصادی و میل به لذت‌طلبی به عنوان شرایط علی، گسست روابط بین‌فامیلی، احساس بی‌عدالتی و کژکارکردی نهادی به عنوان شرایط زمینه‌ای و اثرپذیری رسانه‌ای، باورهای نادرست و چشم‌وهمچشمی در محور شرایط مداخله‌گر دسته‌بندی شده‌اند. طهماسبی و شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۶) در بررسی سبک‌های فرزندپروری با رفتار پرخاشگرانه به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های فرزند پروری سهلگیرانه و استبدادی با رفتار پرخاشگرانه رابطه مثبت معنادار و بین سبک فرزند پروری قاطع با رفتار پرخاشگرانه رابطه معنادار منفی وجود دارد. عمرانی (۱۳۹۶) در پژوهش پیش‌بینی پرخاشگری بر اساس شیوه‌های فرزند پروری دانش‌آموزان دختر متوسطه اول نتایج تجزیه و تحلیل فرضیات اصلی پژوهش مشخص کرد که سبک فرزندپروری مقتدر با پرخاشگری دانش‌آموزان رابطه منفی

نشان دادند و سبک‌های فرزندپروری مستبد و سهل گیر رابطه مثبت با پرخاشگری دانش آموزان نشان دادند. در ادامه تجزیه و تحلیل ضرایب رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدر توانست پرخاشگری دانش آموزان را به طور منفی پیش بینی نماید و سبک فرزندپروری مستبد به طور مثبت توانست پرخاشگری را پیش بینی نماید. در نهایت در مدل کلی رگرسیون، سبک مقتدر توانست به طور منفی پرخاشگری را پیش بینی نمایند. گنجی، رهنمای نمین و پاشا شریفی (۱۳۹۳) پیش بینی گرایش به اعتیاد بر اساس شیوه‌های فرزند پروری نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری سهلگیر، مستبد و مقتدر با نگرش به اعتیاد کلی دانش آموزان رابطه ی معنادار وجود دارد. طبق مدل به دست آمده، با افزایش نمره ی افراد در این متغیرها، شانس مثبت شدن نگرش به مصرف مواد افزایش خواهد یافت. به نظر می رسد که ویژگیهای شخصیتی و سبک‌های فرزندپروری بانگرش به اعتیاد در دانش آموزان دختر و پسر رابطه ی معناداری دارد. نتایج پژوهش ها بر اهمیت دوره نوجوانی و گرایش به رفتارهای پر خطر و تقش عوامل مختلف اشاره دارد. پژوهش‌های مختلف به اهمیت نقش سبک‌های هویتی و شیوه‌های فرزند پروری در بروز رفتارهای پر خطر در دوره نوجوانی اشاره دارد ولی در هیچ پژوهشی به نقش این دو عامل همزمان در بروز رفتارهای پرخطر اشاره نکرده است لذا در این پژوهش به دنبال بررسی نقش این دو متغیر در بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان هستیم.

نوجوانی دوره رشد مهمی است که با فرایند شکل گیری هویت همراه است و قسمتی از فرایند شکل گیری هویت، خطرجویی است که ممکن است به شکل رفتارهای جنسی ناسالم، مصرف الکل، سیگار و سایر مواد، فرار از خانه و مدرسه و رفتارهای خشونت آمیز بروز کند (محمدخانی، حسنی، اکبری و یزدان پناه، ۱۳۹۸). آنچه مشخص است اینکه سبک‌های هویتی نقش مهمی در بروز رفتارهای پرخطر دارند. بر اساس نظریه شناختی - اجتماعی برزونسکی و همکاران (۲۰۱۳)، سبک‌های هویت شامل هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم یا اجتنابی و تعهد هویت، ترجیح نسبی افراد برای به کارگیری شیوه‌های خاص حل مسائل هویتی و پردازش اطلاعات مربوط به خود است (برزونسکی و کینی، ۲۰۱۹). بر اساس این نظریه پردازش اطلاعات هویتی بر اساس چهارچوب خود-ارجاعی بوده و افراد تعارضات و بحرانهای هویتی را از طریق تعویق (تمایل به تعویق انداختن در مورد رویدادهای اطراف تا زمانی که بتواند آنها را ارزیابی کند)، تحلیل هنجاری (همنوایی با انتظارات و دستورهای افراد مهم و گروه مرجع) و اجتناب (تأخیر انداختن در موقعیتهای تعارض انگیز و تصمیمگیری) طی می کنند (یانگ، هولدن و کارتر، ۲۰۰۸: ۱۰)

یکی از عوامل دیگری که در بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان تاثیر دارد شیوه‌های فرزند پروری می باشد. روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و همچنین سازگاری آنان با وضعیت مختلف اجتماعی موثر است. روابط مطلوب میان والدین و فرزندان در سلامت روان فرزندان تاثیر فراوان دارد. فرزندپروری، به روش ها و رفتارهایی گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تاثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان است. شیوه‌های تربیتی فرصتی است که فرزندان بتوانند در شرایط موجود به وسیله ی ارزیابی روابط خود با دیگران تصاویری مثبت از خویش بیافرینند. وقتی انتظارات و توقعات والدین یعنی آرمان های آنان در مورد فرزندان با توجه به واقعیات وجودی آنان باشد، تصویری که کودک از خود می آفرینند، بسیار غنی و سازنده است و همین عامل موجب ایجاد اعتماد به نفس در فرزندان می‌شود. از طرف دیگر، سطح انتظار کودک از خود و دنیای اطراف هم به شیوه‌های تربیتی خانواده بر می گردد. بامریند (۱۹۸۹) با توجه به دو بعد ساسخ دهی و تقاضا چهار روش فرزندپروری را عنوان کرده است:

بعد پاسخ دهی (صمیمیت و اطمینان بخشی): به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود و استقلال در کودکان، حمایت و اطمینان بخشی به کودکان و توجه به نیازهای آنان اشاره دارد.

بعد تقاضا - کنترل: به تلاش والدین برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده از طریق داشتن تقاضاهای متناسب با توانایی های فرزندان، نظارت بر آنان و وضع مقررات اشاره دارد.

این چهار شیوه فرزندپروری عبار است از: الف) مقتدرانه، ب) مستبدانه، ج) آسان گیرانه د) مسامحه کارانه فرزندپروری مقتدرانه: در این شیوه تربیتی، محبت و کنترل والدین نسبت به فرزندان زیاد است.

فرزندپروری مستبدانه: والدین نسبت به فرزندان خود محبت کمتری دارند و هم چنین بر فرزندان خود کنترل بسیاری به کار می گیرند.

فرزندپروری آسان گیرانه: والدین آسان گیر نسبت به فرزندان خود کنترل کمتری دارند و محبت نسبت به آنها زیاد است و مهرورزی خط وسط الگوی موجود را به خود اختصاص می دهد.

فرزندپروری مسامحه کارانه: در این شیوه تربیتی، کنترل و محبت به فرزندان در کمترین سطح قرار دارد (نجان طوسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳).

در دو سبک مقتدرانه و مستبدانه، والدین سخت گیر هستند، اما تنها در سبک مقتدرانه، والدین استقلال را به شیوه ای منطقی و انعطاف پذیر با فرزندانشان تمرین می کنند، ارتباط و مباحثه را در آنان تشویق کرده و تصمیم گیری های فرزندان را برای آنان تبیین می نمایند. اما والدین سهل گیر همانند والدین مقتدر، محیطی سرشار از پذیرش، گفت و گو و ارتباط عاطفی را برای فرزندان فراهم می کنند. اما وقتی فرزندان امور اجرایی را انجام ندهند قوانینی وجود ندارد که مجبور به انجام آن کار باشند (طهماسبی و شیخ الاسلامی، ۱۳۹۶: ۶۰). والدین با رفتار و سبک زندگی خود، ارزش های فرهنگی، خانوادگی و الگوهای زندگی اجتماعی را به فرزندان خود می آموزند. رفتار و سبک فرزند پروری والدین، نظارت و کنترل، کیفیت روابط خانوادگی، جو عاطفی یا تضادآمیز، نظام ارزشی و هنجاری خانواده، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، زمان صرف شده والدین با نوجوانان رفتارهای متعادل یا آسیب زای نوجوانان را تعیین می کنند.

### روش پژوهش

مطالعه حاضر یک پژوهش از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری تحقیق حاضر را نوجوانان دانش آموز مدارس دوره دوم متوسطه دولتی آموزش و پرورش ناحیه ۴ کرج که بزرگترین منطقه استان البرز و با تعداد ۴۰۰ مدرسه، تشکیل می دهد. تعداد دانش آموزان آن برابر با ۲۲۰۰ نفر که با توجه به روش نمونه گیری خوشه ای طبقه و بر اساس جدول مورگان تعداد ۳۲۰ نفر به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب شدند. در این تحقیق برای گرد آوری داده ها از سه پرسشنامه سبک فرزند پروری بامریند (۱۹۹۰) که ۳۰ پرسش این پرسشنامه سه شیوه فرزندپروری را می سنجد؛ ۱۰ پرسش، شیوه مقتدرانه، ۱۰ پرسش، شیوه مستبدانه و ۱۰ پرسش، شیوه سهل گیرانه را مورد سنجش قرار می دهد. الگوی پاسخدهی به پرسش ها بر مبنای مقیاس ۵ درجه ای لیکرت می باشد (اسفندیاری، ۱۳۷۴). با جمع نمرات عبارات مربوط به هر شیوه یک نمره بین ۰ تا ۴۰ برای هر سطح شیوه های فرزند پروری به دست می آید. به عبارت دیگر هر والد در این پرسشنامه دارای سه نمره مجزا می باشد (باباپور، اسماعیلی، غلام زاده و محمدپور، ۱۳۹۱). در این پژوهش نیز روایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ شد. پرسشنامه سبک های هویتی برزونسکی دارای ۳۷ ماده است. ۱۱ ماده به سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ ماده سبک هویت نامتمایز/اجتنابی،

۹ ماده به سبک هویت هنجاری و ۱۰ ماده به خرده مقیاس تعهد اختصاص دارد که بر پایه طیفی از کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵ به سوالات پاسخ داده می‌شود. ماده های ۲۰، ۱۴، ۱۱ و ۹ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند (غضنفری، ۱۳۸۲). در این پژوهش نیز روایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ شد.

پرسشنامه رفتارهای پرخطر شهرام محمدخانی: این پرسشنامه دارای بخش های مختلفی است و هر بخش شامل سوالاتی درباره اولین انجام رفتار پرخطر، میزان رفتار پرخطر در طول عمر، ۱۲ ماه گذشته و یک ماه اخیر و تمایل به مصرف ماده مورد نظر در آینده است (علایی، کدیور، محمدخانی، صرامی و علائی، ۱۳۹۰). در این پژوهش نیز روایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۸ شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS 25 به منظور تحلیل داده‌ها استفاده شد و داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی برای تبیین فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. در آمار توصیفی از جداول فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد، استفاده شد و در بخش استنباطی نیز از آزمون های همبستگی پیرسون استفاده شد.

### یافته های پژوهش

#### جدول ۱: میانگین، واریانس و انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی

متغیر	میانگین	واریانس	انحراف معیار
سبک هویت اطلاعاتی	28.24	34.39	5.86
سبک هویت اجتنابی	24.12	24.55	4.95
سبک هویت هنجاری	23.04	27.13	5.20
سبک‌های هویت	107.63	311.27	17.64
سبک فرزندپروری استبدادی	28.47	62.81	7.92
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	26.89	45.98	6.78
سبک فرزندپروری دموکراتیک	42.55	49.53	7.03
سبک‌های فرزندپروری	97.92	210.23	14.49
رفتارهای پرخطر	99.30	793.75	28.17

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می کنید بیشترین میانگین و انحراف معیار ۱۰۷٫۶۳، ۱۷٫۶۴ مربوط به سبک‌های هویت می باشد و کمترین میانگین و انحراف معیار ۲۶٫۸۹ و ۶٫۷۹ مربوط به سبک فرزندپروری سهل گیرانه می باشد

### آمار استنباطی

فرضیه اول: بین سبک‌های هویتی و رفتارهای پرخطر نوجوانان رابطه وجود دارد.



جدول ۲: ماتریس همبستگی سبک‌های هویت و رفتارهای پر خطر

رفتارهای پرخطر	افسردگی	رابطه با جنس مخالف	رانندگی پرخطر	مصرف مواد	فرار از خانه و مدرسه	حمل اسلحه و چاقو	متغیر
							سبک هویت
							اطلاعاتی
							سبک هویت
							اجتنابی
							سبک هویت
							هنجاری

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین سبک هویت اطلاعاتی و استفاده از اسلحه چاقو، فرار از خانه و مدرسه رانندگی پرخطر، افسردگی و رفتارهای پرخطر در سطح اطمینان بزرگتر از ۰/۰۵ رابطه معنادار وجود ندارد. ولی رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و رابطه با جنس مخالف و مصرف مواد در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه منفی و معنادار می‌باشد و این بدان معناست که با افزایش سبک هویت اطلاعاتی، رابطه با جنس مخالف و مصرف مواد مخدر کاهش می‌یابد. همچنین بین سبک هویت اجتنابی و استفاده از اسلحه چاقو فرار از خانه و مدرسه، مصرف مواد، رانندگی پرخطر، افسردگی و رفتارهای پرخطر در سطح اطمینان بزرگتر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار وجود ندارد. ولی رابطه بین سبک هویت اجتنابی و فرار از خانه و مدرسه در سطح اطمینان کمتر از ۰/۰۵ رابطه مثبت و معنا دار بود. این بدان معناست که با افزایش سبک هویت اجتنابی، فرار از خانه و مدرسه نیز افزایش می‌یابد. رابطه با جنس مخالف در سطح اطمینان کمتر از ۰/۰۵ رابطه منفی و معنادار می‌باشد و این بدان معناست که با افزایش سبک هویت اجتنابی، رابطه با جنس مخالف هم افزایش می‌یابد. همچنین رابطه سبک هویت هنجاری و سبک‌های هویت نیز با هیچ کدام از خرده مقیاس‌های رفتارهای پرخطر معنادار نشد. فرضیه دوم: بین سبک‌های فرزند پروری والدین و رفتارهای پرخطر نوجوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۳: ماتریس همبستگی سبک‌های فرزند پروری و رفتارهای پر خطر

رفتارهای پرخطر	افسردگی	رابطه با جنس مخالف	رانندگی پرخطر	مصرف مواد	فرار از خانه و مدرسه	حمل اسلحه و چاقو	متغیر
							سبک فرزند پروری
							استبدادی
							سبک فرزند پروری
							سهل گیرانه

-28	-051	-19	-090	-12	-099	-062	سبک فرزندپروری
.004	.365	.040	.109	.007	.078	.027	دموکراتیک

نتایج جدول فوق نشان می دهد که بین سبک فرزندپروری استبدادی و استفاده از اسلحه چاقو، فرار از خانه و مدرسه، مصرف مواد، رانندگی پرخطر، رابطه باجنس مخالف افسردگی و رفتارهای پرخطر در سطح اطمینان بزرگتر از ۰/۰۵ رابطه معنی دار وجود ندارد.

همچنین بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و استفاده از اسلحه و چاقو، مصرف مواد، رانندگی پرخطر، افسردگی و رفتارهای پرخطر در سطح معنی داری بزرگتر از ۰/۰۵ رابطه معنی دار وجود ندارد. ولی رابطه بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و فرار از خانه و مدرسه رابطه با جنس مخالف در سطح اطمینان کمتر از ۰/۰۵ تأثیر مثبت و معنا دار بود. این بدان معناست که با افزایش سبک فرزندپروری سهل گیرانه، فرار از خانه و مدرسه و رابطه با جنس مخالف نیز افزایش می یابد.

همچنین رابطه سبک فرزندپروری دموکراتیک با حمل اسلحه و چاقو و فرار از خانه و مدرسه و رابطه با جنس مخالف و رفتارهای پرخطر در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه معنی دار منفی وجود دارد. ولی بین سبک دموکراتیک با فرار از خانه و مدرسه، رانندگی پرخطر و افسردگی در سطح معنی داری بزرگتر از ۰/۰۵ رابطه معنی دار مشاهده نشده است.

#### میزان تاثیر سبک های هویت و سبک های فرزند پروری بر رفتارهای پرخطر نوجوانان چقدر است؟

جهت پاسخگویی به این سوال از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد که نتایج آن در ذیل نشان داده شده است:

جدول ۴: رگرسیون چند متغییری گام به گام

گام	متغیر	ضریب R	B	خطای استاندارد b	بتا	t	سطح معناداری
1	سبک هویت اطلاعاتی	.۱۳	1.651	.053	.290	30.872	.000
2	سبک فرزند پروری دموکراتیک	.۱۳	1.662	.051	-.310	32.871	.000
3	سبک فرزندپروری سهل گیرانه	.۱۲	-1.682	.050	.350	33.349	.000
4	سبک های اجتنابی	.۱۰	1.049	.028	.657	37.049	.000
5	هنجاری	.۱۱	-.667	.057	.123	11.756	.000

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می دهند که اگر متغیرهای معنادار را با توجه به بالاترین میزان همبستگی به ترتیب وارد کنیم سبک هویت اطلاعاتی با ضریب رگرسیون ۰.۱۳، سبک فرزند پروری دموکراتیک با ضریب رگرسیون ۰.۱۳ و سبک

فرزندپروری سهل گیرانه با ضریب رگرسیون ۰.۱۲ و سبک هویت اجتنابی با ضریب رگرسیون ۰.۱۰ و سبک هویتی هنجاری ۰.۱۱ توانسته به ترتیب پیش بینی کننده های خوبی برای رفتارهای پرخطر باشد.

جدول ۵: ضرایب مدل عوامل مؤثر بر رفتارهای پرخطر

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
سبک هویت اطلاعاتی	144334.850	1	788.905	182.956	0.001
سبک فرزند پروری دموکراتیک	123441.523	۲	773.545	165.875	0.000
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	807579.053	۳	766.520	526.783	0.001
سبک هویت اجتنابی	1527304.943	۴	742.225	685.913	0.001
سبک هویت هنجاری	21862564.029	۵	738.800	551.370	0.001

### نتیجه گیری

خانواده مهم ترین نهاد جامعه پذیری در جامعه است و نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف را به وجود می آورد. والدین از اولین افرادی هستند که فرد با آنها ارتباط داشته و تحت تأثیر رفتارها و شیوه های فرزند پروری آنان قرار می گیرد. رفتار افراد در دوره های مختلف زندگی به چگونگی ارتباط فرد با والدین او بر می گردد، زیرا والدین نقش مهمی در جامعه پذیری و آموزش افراد بر عهده دارند. چنانچه والدین بتوانند در خانواده با فرزندان برخورد مناسب داشته و فرد را در انجام و عدم انجام یک کار متقاعد نمایند میزان گرایش فرزندان به افراد و گروه های بیرون از خانواده کاسته می شود، ولی چنانچه والدین رفتار نامناسبی با فرزندان داشته باشند میزان گرایش فرزندان به افراد بیرون از خانواده افزایش یافته و در نتیجه میزان گرایش افراد به انجام رفتار انحرافی و پرخطر افزایش می یابد. نوجوانی از جمله دوره های از زندگی هر فرد است که به واسطه ویژگی های تحولی و حس کنجکاوی افراد گرایش به تجربه کردن رفتارهای پرخطر بیشتر است. بنابراین نوع برخورد والدین با فرزندان می تواند نقش مهمی در گرایش افراد به سمت رفتارهای پرخطر داشته باشد. از طرفی سبک های هویتی افراد نیز در چگونگی رفتار افراد نقش دارد. سبک هویتی افراد در نتیجه تجارب افراد در دوره های مختلف زندگی شکل می گیرد، بنابراین نوع تجربه افراد در دوره های مختلف زندگی میزان گرایش وی به انجام رفتارهای مختلف را تحت تأثیر قرار می دهد. لذا می توان بیان داشت که گرایش افراد به رفتارهای پرخطر در دوره نوجوانی تحت تأثیر عوامل روانشناختی مختلفی بوده که پژوهشگر در این تحقیق به نقش شیوه های فرزند پروری و سبک های هویتی پرداخته است. برای بررسی موضوع ابتدا مطالعات کتابخانه ای در جهت توضیح و تبیین موضوع انجام شده است و در مرحله بعد با استفاده از پرسشنامه شیوه های فرزند پروری بامریند، سبک هویت برزنسکی و رفتارهای پرخطر محمدخانی به جمع آوری اطلاعات برای تجزیه و تحلیل و بررسی موضوع پرداخته شده است. این پژوهش از نوع همبستگی و در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر کرج انجام گرفت. نمونه آماری پژوهش حاضر بر حسب جدول مورگان برابر با ۳۲۰ نفر برآورد گردید.

با توجه به نتایج بدست آمده بین سبک هویت اطلاعاتی با استفاده از اسلحه چاقو، فرار از خانه و مدرسه، رانندگی پرخطر، افسردگی و رفتارهای پرخطر رابطه معنی داری وجود ندارد. ولی بین سبک هویت اطلاعاتی با رابطه با جنس مخالف و مصرف

مواد مخدر در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ و با ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. بر این اساس می‌توان بیان داشت که افراد با سبک هویت اطلاعاتی کمتر به سمت مصرف مواد مخدر و رابطه با جنس مخالف گرایش دارند. بر اساس نظریه سبک هویت برزنسکی افراد با سبک هویت اطلاعاتی بیشتر به ارزیابی و جستجوی اطلاعات در مورد یک مسئله و رفتار می‌پردازند و زمانی که یک رفتار دارای بازخورد ناهماهنگ باشند به آزمون مجدد و تجدید نظر درباره این رفتار می‌پردازند، از آنجایی که مصرف مواد و رابطه با جنس مخالف از جمله رفتارهای پرخطر رایج در دوره نوجوانی که بسیار مورد توجه دیگران می‌باشد، لذا افراد با این سبک اطلاعاتی بیشتر در مورد این رفتار تأمل کرده لذا کمتر گرایش به انجام آن دارند. همچنین بین سبک هویت اجتنابی و استفاده از اسلحه چاقو، فرار از خانه و مدرسه، مصرف مواد، رانندگی پرخطر، افسردگی و رفتار پرخطر رابطه معنی‌دار وجود ندارد. ولی رابطه بین سبک هویت اجتنابی و فرار از خانه و مدرسه در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه مثبت و معنا دار وجود دارد. این بدان معناست که با افزایش سبک هویت اجتنابی، فرار از خانه و مدرسه نیز افزایش می‌یابد. بین سبک هویت اجتنابی با رابطه با جنس مخالف در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه منفی و معنا دار می‌باشد و این بدان معناست که با افزایش سبک هویت اجتنابی، رابطه با جنس مخالف هم افزایش می‌یابد.

از آنجایی که افراد با سبک هویت اجتنابی در تصمیم‌گیری‌ها به نوعی با ترس و اضطراب عمل می‌کنند لذا از راهبردهای نامناسب در برخورد با مسائل استفاده می‌کنند بر اساس نتایج می‌توان بیان داشت که فرار از منزل یکی از راههای نامناسبی است که افراد با سبک هویت اجتنابی در مواقع بروز مشکلات از آن استفاده می‌کنند که در واقع راه حل معقولی به نظر نمی‌رسد. این افراد از آنجایی که همیشه در تصمیم‌گیری دچار مشکل می‌باشند لذا کمتر به رابطه با جنس مخالف معتقد بود و به آن گرایش دارند. نتایج همسو با تحقیق ناظمی (۱۳۹۳) می‌باشد. همچنین رابطه سبک هویت هنجاری و سبک‌های هویت نیز با هیچ کدام از خرده مقیاس‌های رفتارهای پرخطر معنا دار نشد.

### فرضیه دوم: بین سبک‌های فرزند پروری والدین رفتارهای پرخطر نوجوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده بین سبک فرزندپروری استبدادی و استفاده از اسلحه چاقو، فرار از خانه و مدرسه، مصرف مواد مخدر، رانندگی پرخطر، رابطه با جنس مخالف، افسردگی و رفتارهای پرخطر رابطه معنی‌دار وجود ندارد. همچنین بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و استفاده از اسلحه و چاقو، مصرف مواد، رانندگی پرخطر، افسردگی و رفتارهای پرخطر رابطه ای وجود ندارد. ولی رابطه بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و فرار از خانه و مدرسه رابطه با جنس مخالف مثبت و معنا دار بود. این بدان معناست که با افزایش سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، فرار از خانه و مدرسه و رابطه با جنس مخالف نیز افزایش می‌یابد. باتوجه به نظریه فرزند پروری بامریند والدین سهل‌گیر کنترل کمی بر فرزندان خود داشته و به آنها اجازه تصمیم‌گیری در مورد اعمال و رفتار خود می‌دهند. با توجه به اینکه والدین سهل‌گیر از خانواده آشفته برخوردارند لذا آشفته‌گی محیط خانواده می‌تواند برای کودکان غیر قابل تحمل بوده و ترجیح به فرار از خانه را می‌دهند از طرفی کنترل کم والدین بر فرزندان، تحولات دوره نوجوانی و گرایش به جنس مخالف، میزان رابطه افراد با جنس مخالف افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان بیان داشت که محبت زیاد و کنترل کم والدین بر فرزندان در چنین خانواده‌هایی تنها بر رفتارهای پرخطر چون فرار از منزل و رابطه با جنس مخالف تاثیر داشت.

سبک فرزندپروری دموکراتیک با حمل اسلحه و چاقو، مصرف مواد مخدر، رابطه با جنس مخالف و رفتارهای پرخطر در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار منفی دارد. ولی بین سبک‌های فرزند پروری دموکراتیک با فرار از خانه و مدرسه،

رانندگی پرخطر و افسردگی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. با توجه به ویژگی‌های والدین مقتدر که صمیمی و دلسوز بوده و از قوانین و رهنمودهایی منطقی و دلایل قانع‌کننده برای رفتار با فرزندان خود استفاده می‌کنند و نسبت به فرزندان و رفتارهای آنان حساس‌تر بوده و با منطبق‌بیشتری در تربیت فرزندان تلاش می‌کنند در نتیجه انتظار انجام رفتارهای معقولانه‌بیشتری از سوی فرزندان دارند. همانگونه که نتایج این تحقیق نیز نشان داد بین سبک فرزند پروری دموکراتیک با رفتارهای پرخطر در حالت کلی و حمل اسلحه و چاقو، مصرف مواد مخدر، رابطه با جنس مخالف رابطه منفی دارد. نتایج همسو با پژوهش مرعشیان (۱۳۸۹)، زارعی (۱۳۸۸)، صلیبی و احمدی (۱۳۹۲)، فیاضی (۱۳۹۲)، بروک و همکاران (۱۹۹۰)، بروک (۲۰۰۱) می‌باشد. در مجموع می‌توان بیان داشت که شیوه‌های‌های فرزند پروری والدین نقش مهمی در بروز رفتارهای پرخطر دارد. و همانگونه که نتایج تحقیق نشان داد هر چه والدین بتوانند برخورد مناسب و منطقی‌تر با فرزندان داشته باشند میزان بروز رفتارهای پرخطر کمتر می‌شود. والدینی که از توان و امکانات لازم برخوردارند، وظایف پدری و مادی خود را به نحوه مطلوبی انجام دهند در هر یک از اعضایش احساس ایمنی، وابستگی و رفاقت ایجاد کرده و احساس داشتن هدف و جهت و پیشرفت و ارزش فردی را در آنان به وجود می‌آورند. بر این اساس والدین با به‌کارگیری شیوه‌های مطلوب و صحیح فرزند پروری می‌توانند، فرزندان شایسته و سالم بارآورند. ولی در کنار نقش والدین باید به نقش محیط و تجارب فردی نوجوانان نیز توجه کرد، زیرا تجارب دوره‌های مختلف زندگی نقش مهمی در ارتکاب یک رفتار دارد. سبک‌های هویتی افراد که در نتیجه تجارب مختلف افراد در سال‌های زندگی است می‌تواند در ارتکاب به رفتار نقش مهمی داشته باشد. و افراد بر حسب هر یک از سبک‌های هویتی رفتارهای متفاوتی را از خود بروز می‌دهند. از میان سبک‌های مختلف هویتی سبک اطلاعاتی معقولانه‌تر بوده و بهتر به تجزیه و تحلیل اطلاعات در مورد انجام یک عمل می‌پردازد، در نتیجه میزان ارتکاب به رفتارهای پرخطر در این‌گونه افراد کمتر است.

## منابع

۱. احدی، حسن، بنی‌جمالی، شکوه. (۱۳۷۸). روان‌شناسی رشد. تهران: انتشارات بنیاد.
۲. اسفندیاری، عباس (۱۳۷۴). بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلال رفتاری کودکان. پایان‌نامه فوق لیسانس، انیسیتو روانپزشکی تهران.
۳. اشرفی، رضا (۱۴۰۰). پیش‌بینی رفتار پرخطر نوجوانان بر اساس سبک‌های دلبستگی هویت و هیجان خواهی. اولین همایش ملی روانشناسی بالینی کودک و نوجوان. دانشگاه محقق اردبیلی.
۴. آزادی، مرجان و احمدی، نسیم. (۱۳۹۰). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با بروز رفتارهای پرخطر. همایش ملی آسیب‌شناسی مسائل جوانان دانشگاه آزاد فلاورجان.
۵. آهنگر انزایی، احد و همکاران. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر. مجله پژوهش‌های علوم رفتاری و شناختی، شماره اول، پیاپی ۱، صص ۱-۸.
۶. باباپور، جلیل؛ انامق، اسماعیل و محمدپور، وهاب. (۱۳۹۱). رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری و سبک‌های هویتی نوجوانان. مجله روانشناسی، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۷۵.

۷. بهمنی، پارسا؛ مکوندی، بهنام و جوهری فرد، رضا (۱۴۰۰). الگوی معادلات ساختاری رفتارهای پرخطر با تنهایی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با میانجیگری فرسودگی تحصیلی در نوجوانان، فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت، دوره ۱۰، شماره ۵، صص ۱-۱۱.
۸. جوهری فرد، معصومه و همکاران (۱۴۰۰). بررسی مدل علی گرایش به رفتار پرخطر نوجوانان بر اساس باورهای فراشناختی و سبکهای هویت با میانجیگری افکار منفی تکرارشونده و تابآوری. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۱۶۱-۱۹۴.
۹. جهانشاهی، مهنوش (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین سبک‌های فرزند پروری و گرایش به مصرف مواد مخدر
۱۰. دارلینگ ۱۹۹۳
۱۱. رضایپور، یاسر؛ فتوحی، زهرا و پورصادقی، سعیده (۱۳۹۷). رابطه بین سبک‌های هویتی و هوش هیجانی با رفتارهای پرخطر در دانش آموزان تیزهوش. همایش ملی روان شناسی و سلامت با محوریت خانواده و زندگی سالم. ۶ و ۷ اسفند دانشگاه شیراز.
۱۲. زارعی، اقبال . (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین شیوه های فرزند پروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتار های پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر در شهر بندر عباس. *طلوع بهدشت*، دوره ۸، شماره ۳ و ۴.
۱۳. سجادیپور، سیدحامد؛ مهربابی، حسینعلی؛ حسینعلی؛ حسینعلیزاده، محمد و عبدالمحمدی، کریم (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین مؤلفه های خودکارآمدی اجتماعی نوجوانان با گرایش به رفتارهای پرخطر. فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، شماره ۱ (۳)، صص ۶۳-۷۳.
۱۴. شگری، نسرين و همکاران (۱۳۹۵). همبستگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش آموز با شیوه‌های فرزندپروری والدین. *نشریه مدیریت ارتقای سلامت*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۷۳-۸۲.
۱۵. طباطبایی، حسین . (۱۳۷۷). *بررسی ارتباط بین پایگاه هویت و سبک‌های مقابله با بحران در نوجوانان و جوانان شهر مشهد*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء.
۱۶. طهماسبی، رافت و شیخ الاسلامی، علی (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های فرزند پروری با رفتار پرخطر پرخاشگرانه در مرتکبین نزاع و درگیری شهر اردبیل. فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی اردبیل، دوره چهارم، شماره شانزدهم، صص ۵۷-۸۷.
۱۷. عطایی، طاهره (۱۳۹۸). بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با شیوع رفتارهای نوجوانان در خانواده های تک فرزند شهر قزوین. پایان نامه کارشناسی ارشد مکشاوره در مامائی. دانشگاه علوم پزشکی قزوین.
۱۸. علیزادگانی، فاطمه؛ اخوان تفتی، مهناز؛ و کدخدایی، محبوبه السادات . (1398). شناسایی علل گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر و بررسی تفاوت‌های جنسیتی: یک مطالعه کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۸ (۱)، صص ۸۶-۹۷.
۱۹. عمرانی، لیلا (۱۳۹۶). پیش بینی پرخاشگری بر اساس شیوه‌های فرزند پروری دانش آموزان دختر متوسطه اول پایه نهم شهرستان کهنوج. *مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری*، دوره دوم، شماره هفتم، صص ۲۴-۳۶.
۲۰. غضنفری، امجد . (۱۳۸۲). *بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله بر سلامت روانی دانش آموزان دبیرستانی و پیش دانشگاهی شهر اصفهان*. رساله دکتری تخصص رشته روان شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

۲۱. فتحی، آیت اله و همکاران (۱۴۰۰). پیش بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان بر اساس عملکرد خانواده و جهت گیری مذهبی با تاکید بر نقش پلیس. فصلنامه فرهنگی پلیس، دوره هشتم، شماره اول، پیاپی ۲۸، صص ۱۳ - ۲۳.
۲۲. گنجی، حمزه، رهنمای نمین، مریم و پاشا شریفی، حسن (۱۳۹۳). پیش بینی گرایش نوجوانان به اعتیاد بر اساس ویژگی های شخصیتی و شیوه های فرزندپروری به منظور ارائه ی مدلی برای پیشگیری. مجله اندیشه و رفتار، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۴۷ - ۵۹.
۲۳. محمدخانی، شهرام (۱۳۹۸). نقش واسطه ای راهبردهای تنظیم هیجان در رابطه بین باورهای فراشناختی و سبک های دل بستگی با رفتارهای پرخطر فرزندان نوجوان جانبازان اعصاب و روان جنگ ایران و عراق. مجله روان پزشکی و روانشناسی بالینی، دوره ۲۵، شماره ۴، صص ۳۹۶ - ۴۱۰.
۲۴. محمدی، سمیه و همکاران (۱۳۹۰). تاثیر سبک های هویتی بر افکار خودکشی در دانشجویان، مجله علوم رفتاری، ۵ (۱)، صص ۶۱-۶۷.
۲۵. نجاران طوسی، طیبه؛ طالبیان، شریف و عبدخدائی، محمد سعید (۱۳۹۸). بررسی رابطه سبک های دل بستگی و سبک های فرزندپروری با میانجی گری رفتارهای پرخطر بر کیفیت زندگی دختران فراری. فصلنامه ایده های نوین، دوره ۳، شماره ۷، صص ۱ - ۱۴.
۲۶. نوجوانان ۱۴ تا ۱۷ ساله در شهر آبخانه. فصلنامه داش انتظامی خراسان شمالی، ماره ۲۵، صص ۱۱۱ - ۱۳۱.
۲۷. نیازی، محسن و سلیمان نژاد، محمد (۱۳۹۷). زمینه های گرایش به رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان شهر کاشان. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۶۹ - ۲۰۳.
۲۸. نیک منش، زهرا و همکاران (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر رفتارهای پرخطر نوجوانان. مجله علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۳.
29. Berzonsky, M. D., Soenens, B., Luyckx, K., Smits, I., Papini, D. R., & Goossens, L. (2013). Development and validation of the revised Identity Style Inventory (ISI-5): Factor structure, reliability, and validity. *Psychological assessment*, 25 (3), 893.
30. Carr-Gregg, M. R. C. & Grover, S. R. (2003). Risk taking behaviour of young women in Australia, screening for health-risk behaviours. *The Medical Journal of Australia*, 178 (12): 601-604.
31. Popova-Petrosyan, E. V., Kulanthaivel, S., & Balasundaram, K. (2020). *Development of Secondary Osteoporosis in Teenage Girls with Menstrual Disorders*. *Current Women's Health Reviews*, 16 (1), 26-32.
32. Yang, C. C., Holden, S. M., & Carter, M. D. (2018). Social media social comparison of ability (but not opinion) predicts lower identity clarity: Identity processing style as a mediator. *Journal of youth and adolescence*, 47 (10), 2114-2128.